

راهکارهای افزایش حیاى زنان با محوریت سوره نور

زهرا رضایی¹

چکیده

حیا به عنوان یک ارزش بنیادین، نقش اساسی در شکل‌گیری عفاف و حجاب ایفا می‌کند. این مفهوم به معنای احساس شرم درونی از انجام رفتارهای نادرست است. هدف این مقاله، تبیین اهمیت حیا و عفاف به عنوان ارزش‌های کلیدی در زندگی زنان و ارائه راهکارهایی برای ترویج این مفاهیم در سطوح فردی و اجتماعی می‌باشد. این مقاله به بررسی راهکارهای ترویج حیا در زنان با محوریت سوره مبارکه نور می‌پردازد. شیوه‌های فردی ترویج حیا شامل غض بصر، حفظ فروج و عدم پیروی از خطوات شیطان و همچنین آشکار نکردن زینت است. از سوی دیگر، شیوه‌های اجتماعی شامل تشویق فرهنگ ازدواج، رعایت حریم محرم و نامحرم، مجازات علنی زناکاران، اذن ورود به خانه، حفظ آبرو و تقویت حیا در جامعه می‌باشد. هر یک از این شیوه‌ها به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته و تأثیر آن‌ها بر تقویت حیا در جامعه تحلیل می‌شود. این مقاله با استفاده از روش کتابخانه‌ای و شیوه توصیفی نوشته شده است. با توجه به آسیب‌های موجود در جامعه اسلامی، نظیر زنا و بهتان به زنان پاکدامن که عفت عمومی جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، نیاز به ارائه راهکارهای مؤثر برای تقویت حیا و عفاف در جامعه اسلامی احساس می‌شود.

کلید واژگان: حیا، سوره نور، زن، عفاف، حجاب.

مقدمه

انسان در حضور افرادی با کرامت، به طور طبیعی از ارتکاب گناه دوری می‌کند و رفتار خود را تنظیم می‌نماید. به میزان کرامت و ارزش وجودی که هر فرد دارد، او شرم دارد که به زشتی‌ها آلوده شود یا از زیبایی‌ها محروم گردد. به همین دلیل، حیا می‌تواند در رأس نظام اخلاقی و نظم‌دهنده رفتار

¹ imissrezaei@gmail.com دانش آموخته سطح 2 مدرسه فاطمه الزهرا سلام الله علیها شهرستان نابین

انسان قرار گیرد. خداوند متعال نیز بیشتر از آنکه مردم را به ترس از خود فراخواند، به حیا دعوت کرده است. (الم یعلم بان الله یری علق 14)

شکل‌گیری فرهنگ اخلاقی حیا در فرد و جامعه، خصوصاً زنان و دختران و شناخت و به‌کارگیری آن در سبک زندگی، موجب حفظ ارزش‌های انسانی، مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب، آرامش و پایداری نهاد مقدس خانواده و افزایش کارایی در سطح جامعه می‌شود. این موضوع نقش بارزی در کاهش آسیب‌های اجتماعی دارد. هم‌چنین با توجه به آسیب‌های موجود در جامعه اسلامی، نظیر زنا و بهتان به زنان پاکدامن که عفت عمومی جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، نیاز به ارائه راهکارهای مؤثر برای تقویت حیا و عفاف در جامعه اسلامی احساس می‌شود. بنابراین، بصیرت‌بخشی و ارائه راهکارهای علمی و عملی، روشی مؤثر برای نهادینه کردن حیا و عفاف در جامعه است.

در این پژوهش، تلاش می‌شود تا موضوع ترویج حیای زنان به روش توصیفی و با رویکرد فردی و اجتماعی بررسی شود. لازم به ذکر است که فرد به تنهایی نمی‌تواند زمینه‌های عفاف را فراهم کند، اما با توجه به ویژگی‌های فردی و اجتماعی انسان و به ویژه با تکیه بر مفاد سوره نور، می‌توان این زمینه‌ها را استخراج و به آن‌ها اشاره کرد. تحقیقات متعددی در این زمینه انجام شده است، از جمله کتاب "پژوهشی در فرهنگ حیا" نوشته عباس پسندیده و مقالاتی با عناوین مختلف مانند "شیوه‌های ترویج حیا با محوریت سوره نور" از خانم‌ها نجمه خجسته و الهام خرمی نسب، "ضرورت و راهکارهای آموزش و ترویج حیا، عفت و حجاب بین کودکان و نوجوانان" از محبوبه سادات حسینی واعظ، و "تأثیر حیا و عفاف در آرامش فرد و جامعه" نوشته سید حمیده موسوی لشمرزمی و شراره صدیقی. با این حال، در هیچ‌یک از این پژوهش‌ها راهکارهای ترویج حیا بر اساس سوره نور تنها برای بانوان ارائه نشده است و نویسندگان بیشتر به بررسی ماهیت، اقسام، مراتب و تأثیرات حیا پرداخته‌اند.

اهمیت حیا در اسلام

حیا فضیلتی است که به شدت مورد تأکید اسلام قرار گرفته است. این تأکید نه تنها در کلام و تعبیرات غنی و جذاب بیان شده، بلکه در رفتار و سیره‌ی پیشوایان دینی نیز به عنوان الگویی برای جوانان به نمایش گذاشته شده است. معرفی اولیای خدا به جوانان به عنوان الگوهای رفتاری و شخصیتی، می‌تواند منبع الهامی برای آن‌ها باشد. از ائمه معصومین (ع) جملات ارزشمندی در خصوص جایگاه ویژه‌ی حیا در اسلام به ما رسیده است که نشان‌دهنده‌ی اهمیت آن است. به عنوان مثال، پیامبر اسلام (ص) فرموده‌اند که حیا، چه در انسان دیندار و چه در بی‌دین، مانع از ارتکاب اعمال زشت و ناپسند می‌شود. (1) (شیخ صدوق معانی الاخبار صفحه ۴۰۹). این تأکید بر حیا، نشان‌دهنده‌ی اهمیت آن به عنوان یک اصل اخلاقی در جامعه‌ی اسلامی است.

جایگاه زن در حفظ حیا و عفاف و حجاب

حیا، عفاف و حجاب سه مفهوم مرتبط و مکمل در تعالیم اسلامی هستند که به حفظ کرامت و امنیت اخلاقی انسان، به‌ویژه زنان، کمک می‌کنند. حیا، به‌عنوان یک ویژگی درونی و فطری، حالتی است که انسان را از انجام اعمال ناپسند باز می‌دارد و زمینه‌ساز رفتارهای اخلاقی و پاکدامنی است. این صفت به‌نوعی منشأ عفاف و حجاب محسوب می‌شود. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «الْحَيَاءُ خَيْرُ كُلِّهِ»؛ یعنی حیا سراسر خیر است.

عفاف، مرحله‌ای عملی‌تر از حیا است که به کنترل غرایز و تمایلات نفس اشاره دارد. عفاف، یعنی خودداری از هر گونه رفتار یا پوششی که به خدشه‌دار شدن شخصیت فرد یا تحریک دیگران منجر شود. این ویژگی، قدرت مدیریت اخلاقی انسان را نشان می‌دهد و نقش اساسی در تعاملات سالم اجتماعی ایفا می‌کند.

حجاب، جنبه بیرونی حیا و عفاف است. همان‌طور که عفاف، کنترل درونی را تقویت می‌کند، حجاب نیز به‌عنوان نماد خارجی این کنترل و تعهد به اخلاق، بروز می‌کند. قرآن کریم در آیه ۳۱ سوره نور، حجاب را لازمه حفظ عفاف معرفی می‌کند و می‌فرماید: «وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ». حجاب، محافظ شخصیت و عامل ارتقای حیا در جامعه است.

در مجموع، حیا بنیان عفاف و حجاب است؛ عفاف، روح و محتوای حیا را در رفتار نمایان می‌کند و حجاب، تجلی عینی این ارزش‌ها در ظاهر انسان است. این سه مفهوم در کنار هم، نظامی اخلاقی را برای فرد و جامعه ایجاد می‌کنند.

کلید واژه ها

حیا در لغت : از ریشه ح ی ی است.

. حیا شرم و خجالت معنی شده است¹.

. حیا یعنی گرفتگی نفس از زشتی ها و ترک آن به این خاطر².

. حیا- خود داری نفس از زشتیها و ترك زشتیهاست³.

حیا در اصطلاح:

در اصطلاح علم اخلاق، به نوعی حالت روانی یا انفعال و انقباض نفسانی گفته می‌شود که موجب متانت و وقار در رفتار حرکات و سکانات انسان شده و موجب خودداری از انجام کارهای زشت و ناپسند باز در انسان می‌شود.

1 محمد معین فرهنگ فارسی ص 440

2 مفردات قرآن راغب اصفهانی ص 140

3 (نام کتاب: ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن نویسنده: راغب اصفهانی، حسین بن محمد تاریخ وفات مؤلف: 502 ق مترجم: خسروی، غلامرضا محقق / مصحح: خسروی حسینی، غلامرضا جلد 1 ناشر: مرتضوی مکان چاپ: تهران سال چاپ: 1374 ش نوبت چاپ: دوم 573 صفحه)

در نتیجه با توجه به معانی بیان شده می توان حیا را، حالتی نفسانی که نفس را از انجام بدی ها بازدارد، معنا کرد.

زن یا همراه

انسان ماده و ماده از نوع بشر⁴ نقیض مرد باشد.⁵

در اصطلاح همه جنس مونث، یعنی دختران خردسال تا زنان کهنسال را شامل می شود. پس زن یعنی همه ی زنان و دختران جامعه.

سوره نور

سُورَةُ النُّورِ: تشبیهی است یا به همان- سور- و دیوار شهر که قرآن هم مانند احاطه و فراگیری دیوار به شهر محاط به سور هاست.⁶

صد و سومین سوره قرآن کریم است که دارای 64 آیه بوده و غرض آن تشریع و تبیین برخی از احکام مرتبط با روابط جنسی به منظور حفظ عفت عمومی جامعه مسلمانان است.

راهکارها

1) فردی : راهکارهای فردی بر مسولیت و نقش خود فرد به تنهایی در حل مسایل یا رسیدن به پیشرفت متمرکز است و تاکید دارد که فرد بتواند با تکیه بر توانایی ها و منابع خود ، تغییرات مثبتی ایجاد کند.

در این سوره دستوراتی به زنان جامعه به صورت اختصاصی مطرح می شود، مانند: غض بصر، حفظ فرج و آشکار نکردن زینت و همچنین عدم پیروی از خطوات شیطان که در ادامه به بررسی آن ها می پردازیم.

1- غض بصر

غض در لغت : کم کردن صدا و کم کردن نگاه چشم. عبارت راغب چنین است: «الْعَضُّ: النُّقْصَانُ مِنَ الطَّرْفِ وَ الصَّوْتِ ...» در مجمع البیان فرموده:

اصل غض بمعنی نقصان است. گویند: «غَضٌّ مِنْ صَوْتِهِ وَ بَصَرِهِ»

یعنی از صدا و نگاهش کاست. در اقرب الموارد تخفیف و نگهداری و شکستن صدا و نگاه گفته است در قاموس تخفیف نگاه آمده است .

در نهاییه نقل شده: «كَانَ إِذَا عَطَسَ غَضَّ صَوْتَهُ» یعنی چون عطسه میکرد صدایش را آرام مینمود.

⁴ فرهنگ نفیسی

⁵ لغتنامه دهخدا

⁶ (ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ج2، ص: 278)

مقصود از نقل اقوال این است که غض بصر بمعنی بستن چشم نیست که هیچ چیز را نبیند بلکه کوتاه کردن چشم است و بعبارت دیگر و رانداز نکردن است⁷

پس در مجموع می توان گفت غض بصر یعنی کوتاه کردن نگاه از صحنه های حرام . در آیه 31 سوره نور، خداوند به زنان مؤمن توصیه می کند که نگاه خود را فرو اندازند: "وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ..."

(و به زنان مؤمن بگو چشم های خود را [از نگاه ناروا] فرو گیرند).

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان توضیح می دهد که این توصیه به غض بصر (فروپوشی نگاه)، ناظر به حفظ حریم عفت و جلوگیری از تحریک غریزه جنسی است و این فرمان الهی بر پایه فطرت انسانی و نظم اجتماعی استوار است. نگاه مستقیم به نامحرم، مقدمه ای برای تحریک و انگیزه های گناه آلود است؛ لذا فروگرفتن نگاه، وسیله ای برای قطع این زنجیره محسوب می شود. نگاه کنترل شده موجب تقویت حیا و پاکدامنی در فرد و جامعه می شود. رعایت غض بصر، هم در مردان و هم در زنان، نقشی اساسی در ایجاد یک جامعه سالم و متعادل ایفا می کند، زیرا روابط میان افراد مبتنی بر احترام متقابل و اخلاق می شود. ایشان بیان می کند که این توصیه، به معنای کور کردن نگاه نیست، بلکه منظور آن است که نگاه ها را از حالت هوس آلود و غیرضروری به نامحرم بازدارند. همچنین ایشان تأکید دارد که غض بصر، مکمل دستورات دیگر همچون حجاب است و این دو در کنار هم، راهکاری جامع برای سلامت روانی و اخلاقی جامعه هستند. در نتیجه غض بصر در نگاه علامه، نه تنها یک وظیفه شرعی برای زنان، بلکه راهکاری عملی برای افزایش عفت فردی و بهبود روابط اجتماعی است که بنیان آن بر فطرت انسانی و قواعد اخلاقی نهاده شده است.⁸

پس درکل می توان کنترل نگاه را یکی از راهکار های فردی اساسی برای افزایش حیای زنان دانست .

2- حفظ فروج

فرج در لغت و اصطلاح

فرج: شکاف. جمع آن فروج است

و قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ نوره: 31.

فرج عبارت است از مخرج بول و غائط در زن و مرد. راغب گوید: فرج میان دو پا است و آنرا بکنایه بر قبل و دبر اطلاق کرده اند و در اثر کثرت استعمال مثل صریح در آن معنی شده است در مجمع ذیل آیه 5 مؤمنون فرموده: لَيْثُ كَفْتَهُ فَرْجُ اسْمِ هِرْ سَوْنُهُ زَنْ وَ مَرْدُ اسْتِ دَرْ اقرب الموارد آمده: الْفَرْجُ مِنَ الْإِنْسَانِ: الْعَوْرَةُ وَ يُطْلَقُ عَلَى الْقُبْلِ وَ الدِّبْرِ حفظ فرج در زن و مرد ظاهرا آنست که آنرا از ناظر محرم بپوشد.⁹

⁷ قاموس قرآن، ج5، ص: 105

⁸ تفسیر المیزان ج 15، ذیل تفسیر آیه 31 نور ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی

⁹ قاموس قرآن، ج5، ص: 157

اجتماعی پرداخته است. این آیات، یکی از مهمترین اصول اجتماعی اسلام را در زمینه رعایت حریم خصوصی افراد مطرح می‌کند. بر اساس این آیات، ورود بدون اجازه به خانه دیگران، تجاوز به حقوق فردی و اجتماعی محسوب می‌شود.

علامه طباطبایی در تفسیر خود تأکید دارد که واژه "تَسْتَأْنِسُوا" به معنای کسب اجازه همراه با ایجاد آرامش برای صاحب‌خانه است، نه صرفاً اعلام حضور. این نشان می‌دهد که ورود به خانه دیگران نه تنها نیاز به اجازه دارد، بلکه باید با احترام و رعایت ادب همراه باشد.

وی همچنین اشاره می‌کند که لزوم سلام کردن هنگام ورود، نشان‌دهنده اهمیت ایجاد فضای دوستانه و امن در جامعه است. این آداب، مانع از ایجاد سوءظن، درگیری و ناامنی در روابط اجتماعی می‌شود. علامه در ادامه می‌نویسد که این آیات، نشان‌دهنده کرامت انسانی و حق هر فرد در داشتن حریم خصوصی است. علاوه بر این، وی به این نکته اشاره دارد که در آیه "فَإِنْ لَّمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّىٰ يُؤْذَنَ لَكُمْ"، اسلام تصریح می‌کند که حتی اگر خانه‌ای خالی باشد، حق ورود بدون اجازه وجود ندارد. این نشان می‌دهد که مالکیت و حریم خصوصی در اسلام بسیار محترم شمرده شده است.

در نهایت، علامه طباطبایی نتیجه می‌گیرد که این احکام، نقش مهمی در حفظ امنیت اجتماعی، جلوگیری از سوءظن و حفظ آرامش روانی افراد دارد. رعایت این اصول، موجب افزایش اعتماد متقابل و کاهش اختلافات در جامعه می‌شود.

4- حفظ حریم محرم و نامحرم

سوره نور در آیه ۳۱ به موضوع حفظ حریم محرم و نامحرم پرداخته و به زنان مؤمن دستور می‌دهد که چشمان خود را فرو گیرند، عفاف را رعایت کنند و زینت‌های خود را جز برای محارم آشکار نکنند. در این آیه، ۱۲ گروه از محارم زنان نام برده شده‌اند که شامل: ۱. شوهر، ۲. پدر، ۳. پدرشوهر، ۴. پسر، ۵. پسر شوهر (ناپسری)، ۶. برادر، ۷. پسر برادر، ۸. پسر خواهر، ۹. زنان همکیش، ۱۰. کنیزان، ۱۱. مردان کم‌توان (بدون تمایلات جنسی)، ۱۲. کودکان نابالغ می‌شوند. این حکم، بر لزوم رعایت حریم بین محرم و نامحرم، جلوگیری از تحریک شهوانی، و حفظ سلامت اخلاقی جامعه تأکید دارد.

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، ذیل آیه ۳۱ سوره نور، به بررسی لزوم رعایت حریم بین محرم و نامحرم و فلسفه حجاب و عفاف در اسلام پرداخته است. وی بیان می‌کند که این آیه، چارچوبی روشن برای حفظ سلامت اخلاقی جامعه ترسیم کرده و محدوده ارتباطات زنان با مردان را مشخص می‌کند.

از نظر علامه، دستور به پوشاندن زینت‌ها و استثنائات ذکر شده، نشان‌دهنده اهمیت حفظ کرامت انسانی و جلوگیری از مفاسد اخلاقی است. او تأکید دارد که ذکر ۱۲ گروه از محارم، نشان‌دهنده وجود مرزهای مشخص در روابط اجتماعی است و اسلام حتی در نزدیکترین روابط خانوادگی نیز به رعایت اصول اخلاقی توصیه می‌کند.

وی همچنین لزوم فروگذاشتن نگاه و رعایت عفاف را عاملی در جلوگیری از تحریک شهوات و آسیب‌های اجتماعی می‌داند. علامه در تفسیر خود تصریح می‌کند که این احکام نه تنها برای

زنان، بلکه برای مردان و یعنی برای کل جامعه نیز ضروری است و هدف اصلی آن، حفظ حریم خانواده و جلوگیری از انحرافات اخلاقی در جامعه است.¹³

5- جداسازی افراد پاک از ناپاک

خبیث از ریشه خبث الْمُخْبِث و الْخَبِیْث،

خبث: (بر وزن قفل) نا پاکی. پلیدی. «خَبَثَ خَبْثًا: ضَدَّ طَابَ»

راغب، خبیث را ناپسند معنی کرده نا پسندیدی که در اثر پلیدی است.

در مجمع ذیل آیه 267 بقره گوید: خبیث به معنی پلید است و خبث نقره و آهن همان است که بعد از گداختن از نقره و آهن جدا میشود، اصل آن ردائت (پلیدی) است.

چیزی است که بخاطر زشتی و ناپسندی و مکروه بودنش چنین نامیده شده، خواه کراهت حسّی و ظاهری داشته باشد یا کراهت معنوی و عقلی، و اصلش آنگونه تباهی و زشتی است که مانند رنگ و جرم آهن ظاهر و پیدا است (که موقع گداختن و پتک زدن ناخالصی از آن جدا می‌شود). (1 ج ص 576)

علی هذا خبیث آن است که ناپاک، پلید و تنقّر آور باشد اعمّ از انسان و کلام و قانون و طعام و غیره و ضَدّ آن طَیِّب است که بمعنی پاک و دلچسب است.

«الْخَبِیْثَاتُ لِلْخَبِیْثِیْنَ» وَ الْخَبِیْثُوْنَ لِلْخَبِیْثَاتِ وَ الطَّیِّبَاتُ لِلطَّیِّبِیْنَ وَ الطَّیِّبُوْنَ لِلطَّیِّبَاتِ اُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا یَقُولُوْنَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ رِزْقٌ کَرِیْمٌ

نور: 26 مراد از خبیثات و خبیثین زنان و مردان نا پاک است.

آیه شریفه بعد از آیات زنا و لعان و افک واقع شده گویا مراد آن است که مردان و زنان پاک به حکم ایمان از این نسبت ها به دوراند و برای آنها مغفرت و روزی خوش آیند هست. بقیّه سخن در «طَیِّب» است.

و اینکه فرموده: زنان پاک برای مردان پاک و زنان نا پاک برای مردان نا پاک اند گویا منظور انس و تمایل و الفت است زیرا میان پاکان یکنوع کشش معنوی هست که بیکدیگر تمایل میکنند چنانکه نا پاکان نیز چنین اند. کند همجنس با همجنس پرواز.

در مجمع از امام باقر و صادق صلوات الله علیهما نقل است که فرمودند: این آیه نظیر آیه الزَّانِی لَا یَنكِحُ إِلَّا زَانِیَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَ الزَّانِیَةُ لَا یَنكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ است از قرآن مجید بدست میاید اهل ایمان و عمل، طَیِّب و اهل کفر و فساد خبیث اند. و فرق خبیث و طَیِّب در انسان، با ایمان و عمل و عدم آن دو است.¹⁴

¹³ المیزان، جلد ۱۵، صفحه ۱۱۸-۱۲۲،

¹⁴ قاموس قرآن، ج ۲، ص: 219

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، ذیل آیه ۲۶ نور به بررسی ارتباط میان پاکی و ناپاکی اخلاقی افراد و تأثیر آن در جامعه می‌پردازد. وی تبیین می‌کند که این آیه نشان‌دهنده قانون طبیعی تطابق اخلاقی انسان‌ها با یکدیگر است؛ بدین معنا که افراد ناپاک به‌طور طبیعی به سمت افراد ناپاک گرایش دارند و افراد پاک نیز جذب یکدیگر می‌شوند. این اصل در روابط فردی، خانوادگی و اجتماعی تأثیرگذار است و تعیین‌کننده سلامت یا فساد یک جامعه محسوب می‌شود. علامه معتقد است که این آیه نه تنها درباره ازدواج، بلکه درباره ارتباطات کلی انسان‌ها در جامعه نیز صدق می‌کند. از دیدگاه او، جامعه‌ای که بر مبنای تقوا و پاکدامنی بنا شده باشد، افراد ناپاک را نمی‌پذیرد و در مقابل، جوامع منحرف، زمینه رشد افراد فاسد را فراهم می‌کنند.

وی در ادامه، به حادثه تهمت به حضرت عیسه اشاره کرده و بیان می‌کند که این آیه به‌نوعی پاسخ به بدخواهان پیامبر (ص) است و نشان می‌دهد که افراد پاک، از اتهامات ناروا مبرا هستند. بنابراین، پیام اصلی این آیه، لزوم پایبندی به پاکی اخلاقی و پرهیز از همراهی با افراد فاسد است.¹⁵

6- حفظ عفت عمومی جامعه

در مورد عدم واگویی اتهام‌های جنسی در جامعه حضرت علی- علیه السلام- فرموده:

کسی که درباره مؤمنی بگوید چیزی را که بدو چشمش دیده و بدو گوشش شنیده و آن از چیزهائی است که آن مؤمن را عیب می‌کند و جوانمردیش را ویران می‌سازد او از کسانی است که خدای عزّ و جلّ فرموده: (إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ) یعنی آنانکه دوست دارند در بین کسانی که ایمان آورده‌اند زشتی فاش گردد، در دنیا و آخرت برای آنها عذاب دردناک است)¹⁶

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، ذیل این آیه به بررسی گسترش فساد در جامعه پرداخته و تأکید می‌کند که ایجاد محیط سالم اجتماعی و فرهنگی، یکی از وظایف اصلی حکومت و مردم در جامعه اسلامی است. وی بیان می‌کند که رواج فحشا و بی‌حیایی، علاوه بر اینکه فرد را به انحراف می‌کشاند، بر کل جامعه تأثیر منفی دارد و موجب کاهش امنیت اخلاقی می‌شود. علامه معتقد است که یکی از روش‌های شیطان برای ضربه زدن به ایمان مردم، عادی‌سازی گناه و زشتی‌ها در جامعه است. از این‌رو، وی بر لزوم کنترل رسانه‌ها، فرهنگ عمومی و نظام تربیتی تأکید دارد تا از نفوذ فساد جلوگیری شود.

حیا و پاکدامنی نه تنها یک امر فردی، بلکه یک مسئولیت اجتماعی است و جامعه اسلامی باید با فرهنگ‌سازی، آموزش، و اجرای قوانین الهی، زمینه را برای رشد فضایل اخلاقی فراهم کند. وی معتقد است که حکومت اسلامی وظیفه دارد از طریق تعلیم و تربیت دینی، وضع قوانین مناسب، و برخورد قاطع با عوامل ترویج فساد، محیط سالم اجتماعی را حفظ کند. او همچنین هشدار می‌دهد که اگر جامعه‌ای به فحشا و بی‌حیایی دچار شود، دچار فروپاشی

¹⁵ تفسیر المیزان، جلد ۱۵، صفحه ۱۵۶-۱۵۸،

¹⁶ الصحيفة السجادية

اخلاقی شده و برکات الهی از آن گرفته خواهد شد. از این رو، ترویج عفت و حیای اجتماعی، نه تنها یک امر شخصی، بلکه یکی از اصول بقای جامعه است.¹⁷

نتیجه‌گیری

بررسی آیات سوره نور نشان می‌دهد که حیا به عنوان یک ارزش بنیادین در اسلام، نقش کلیدی در حفظ عفاف و حجاب زنان دارد. ترویج و تقویت این ارزش نه تنها در سطح فردی، بلکه در ابعاد اجتماعی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. در سطح فردی، راهکارهایی همچون غض بصر (کنترل نگاه)، حفظ فروج، آشکار نکردن زینت و عدم پیروی از خطوات شیطان، به عنوان عوامل اصلی در حفظ حیا و پاکدامنی زنان معرفی شده‌اند. این اصول، فرد را در مسیر خودکنترلی و تقویت فضایل اخلاقی یاری می‌کند. در بعد اجتماعی، اقداماتی مانند تشویق به ازدواج، رعایت حریم محرم و نامحرم، اجرای حدود شرعی برای زناکاران، احترام به حریم خصوصی و ورود به خانه‌ها با اجازه، نقش مهمی در تقویت فرهنگ حیا و امنیت اخلاقی جامعه دارند.

سوره نور، به عنوان یکی از منابع اساسی در تبیین احکام مرتبط با عفت عمومی، نه تنها راهکارهای عملی برای حفظ و گسترش حیا در زنان ارائه می‌دهد، بلکه جامعه را به سوی روابط سالم و پایدار سوق می‌دهد. این پژوهش نشان داد که رعایت حیا، زمینه‌ساز حفظ ارزش‌های انسانی، مقابله با تهاجم فرهنگی، تقویت بنیان خانواده و کاهش آسیب‌های اجتماعی است. در نهایت، توجه به آموزه‌های قرآنی و اجرای دقیق آن‌ها در سطوح فردی و اجتماعی، می‌تواند گامی مؤثر در جهت ارتقای اخلاق و سلامت جامعه اسلامی باشد.

قرآن کریم

منابع فارسی

ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن راغب اصفهانی، حسین بن محمد محقق غلامرضا خسروی حسینی، ناشر: مرتضوی تهران سال 1374 ش
قرشی بنایی، علی اکبر، قاموس قرآن جلد 5، انتشارات دار الکتب الاسلامیة، تهران، چاپ ششم.
ترجمه تفسیر المیزان

منابع عربی

الصحيفة السجادية ترجمه و شرح فیض الاسلام اصفهانی، علی نقی محقق / مصحح: افشاری زنجانی، عبد الرحیم ناشر: فقیه مکان چاپ: تهران سال چاپ: 1376 ش چاپ دوم

وبسایت ها

<https://fa.wikifeqh.ir>